نگاهی به گزارش اخیر مؤسسه مطالعات امنیت ملی امریکا از شکست پروژه ناآرامی‌ها در ایران

سه ماه ناکامی برای آشوبگران

فائزه سادات یوسفی / با روند کاهشی موج آشوب‌ها، ضد انقلاب و رسانه‌های وابسته به آن به تکاپو افتادند تا به زعم خود با بررسی آسیب‌ها و چرایی کاهش آشوب و ناآرامی، نسخه‌های جایگزین برای آن ارائه دهند. علاوه بر آن، موضوعی که در اغلب این دست رسانه‌ها خودنمایی می‌کند، نمایش عدم تعلق آن به محرک‌ها و حمایت‌های مادی و معنوی دولت‌های متخاصم و متبوع خود است تا با تبرئه از این میدان، شکست خود را پنهان سازند و هم نتیجه را به کنش‌های درون نظام که به زعم خود رادیکالی می‌نامند، گره بزنند. ناتوانی و عدم کارکرد نقشه‌های آنان، نتیجه‌ای بر خلاف باور داشته و این بازنمایی از شرایط کنونی را هم می‌توان اعتراف به ناکارآمدی‌شان محسوب کرد و هم از سوی دیگر، برشمردن مؤلفه‌های در جریان دانست تا بتواند جانی دوباره بر پیکر بی‌جان آشوب بیندازند. در همین راستا مؤسسه مطالعات امنیت ملی امریکا طی نوشته‌ای به این موضوع پرداخته است.

در نشریه وابسته به این مؤسسه آمده است که موج آشوب‌ها که در سپتامبر (شهریور) در جمهوری اسلامی به راه افتاد تا حدودی فروکش کرده و به نظر می‌رسد دیگر خطری برای نظام ندارد، اما همچنان توانایی فعال شدن دوباره را دارا است. همچنین بدون اشاره به حمایت‌های متعدد مادی و معنوی غرب و دولت‌های متخاصم و فشارهای بین‌المللی اعتراف می‌کند که این آشوب‌ها با وجود وارد شدن به چهارمین ماه، فی ذاته نتوانسته تهدیدی مهم و فوری برای جمهوری اسلامی به وجود آورد. همچنین بخش‌های اجتماعی قابل توجهی به آشوب نپیوسته‌اند و شواهدی از شکاف در میان نخبگان سیاسی یا نیروهای امنیتی وجود ندارد. از این‌رو، آشوب‌ها و ناآرامی‌ها تهدیدی برای ثبات کشور نبوده و حتی نتوانسته برای ساختار سیاسی بی‌نظمی ایجاد کند.

اما نویسنده سعی می‌کند یک راهبرد را به طور تلویحی در این برهه به مقامات و عناصر دخیل در آن پیشنهاد دهد. زیرا به زعم وی، آشوب‌ها به مرحله بن‌بست رسیده، اما ناآرامی‌ها در برخی شهرها ادامه دارد و گسترش و تداوم آنها می‌تواند جمهوری اسلامی را دوباره به چالش ناآرامی برساند. مؤلفه مهمی که می‌تواند در این میان به موتور محرک تبدیل گردد، بحرانی شدن اقتصاد است که تظاهرات بیشتری را تغذیه کرده و آن را تشدید می‌کند. بحران اقتصادی و تداوم افزایش نرخ ارز، احساس ناامیدی را در میان مردم تشدید کرده و ممکن است سایر بخش‌های اجتماعی را به پیوستن به آشوب‌ها سوق دهد. این موضوع یکی از برنامه‌هایی است که توسط امریکا و رژیم صهیونیستی به جدیت دنبال می‌شود.

نویسنده، با نادیده گرفتن ضعف سیستماتیک آشوب و پوچی انگیزه‌ها و شاخص‌ها، سعی می‌کند که دلیل روند کاهشی را در کلیدواژه سرکوب خلاصه کند، اما در ادامه آن را به طور ناشیانه‌ای به شرایط آب و هوایی زمستان(!) ارتباط می‌دهد. در کنار هم قرار گرفتن این دو موضوع بیانگر آن است که آنها عاجز از بیان چرایی روند کاهشی آشوب‌ها، به بهانه تراشی روی آورده و تلاش دارند که با سرپوش گذاشتن بر علل اصلی فروکش کردن آشوب‌ها، مبانی آن را در نظر مخاطب به مسائلی فارغ از ناکارآمدی نقشه‌ها و برنامه‌ها نسبت دهند.

این نشریه اشاره می‌کند که حتی آشوب‌ها در روز دانشجو که معاندین آن را نقطه عطفی در کاهش روند آن می‌دانستند، بی‌ثمر ماند و به تجمعات پراکنده دانشجویی منجر شده که در نهایت به اتمام رسید.

در ادامه آمده است که در هفته‌های اخیر تعداد کمتری از مراکز در وضعیت اعتراضی دیده شده‌اند و تنها ده‌ها تا صدها معترض در آن شرکت کرده‌اند. در مناطقی که کردها (در شمال غرب کشور) و بلوچ‌ها (در جنوب شرقی) سکونت دارند، اعتراضات شاید در مقیاس وسیع‌تری ادامه دارد، اما حتی در آنجا نیز دامنه محدود است.

همچنین نه تنها بخش‌های اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی به اعتراضات نپیوستند (مثلاً کارگران صنایع اصلی و خدمات)، بلکه تظاهرات دانشجویی در دانشگاه‌ها که یکی از مؤلفه‌های اصلی در مراحل اولیه اعتراض بودند، به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. در این مرحله به نظر نمی‌رسد که تظاهرکنندگان بتوانند از اعتراضات خودجوش به یک نیروی سازمان یافته با برنامه راهبردی برای آینده تبدیل شوند. علاوه بر این، هیچ مدرکی دال بر شکاف یا جدایی در میان نخبگان سیاسی حاکم یا نیروهای امنیتی که کاملاً به نظام وفادار هستند، وجود ندارد. به طور مثال، گروه هکر Black Reward گزارش داد که حداقل ۱۱۵ سرباز از ارتش پس از شرکت در تظاهرات دستگیر شده‌اند. با این حال، حتی اگر مبنایی برای این گزارش وجود داشته باشد، بازتاب‌های رسانه‌ای آن هیچگونه تأثیری بر شرایط اجتماعی نداشته است.

نویسنده برای پیشبرد و بقای آشوب‌ها سعی دارد از تظاهرات گاه به گاه، حضور زنان بدون حجاب در فضای عمومی، دیوارنویسی و سر دادن شعارها از خانه‌ها و هتک حرمت بعضی روحانیون، تداوم تجمعات غیرخشونت‌آمیز را نتیجه بگیرد در حالی که ادله کافی نمی‌آورد. همچنین اعدام دو نفر از آشوبگران در نیمه اول آذرماه و برگزاری مراسم عزاداری را محرکی برای بقای آشوب معرفی کند. اما این اشارات نشریه بیانگر این است که آشوب‌ها و اغتشاشات حمایت مردمی ندارد و این نشریه بیشتر به‌دنبال تحرکات خاص بوده و برای پر کردن این خلأ در انظار عمومی به بزرگنمایی روی آورده است.

نویسنده در ادامه چنین بیان می‌دارد که تمایل به پاسخگویی به خواسته‌های اخلالگران و ایجاد تغییر در سیاست رسمی می‌تواند به‌عنوان یک نمایش ضعف تلقی شود که تقاضا برای امتیازات بیشتر در مورد آزادی‌های مدنی و سیاسی گسترده را افزایش داده و حمایت بیشتری را برای اعتراض فراهم می‌کند. شایعه برچیده شدن نظارت بر امر پوشش نیز در همین راستا منتشر شد.

از این‌رو به اذعان نویسنده، آنها سعی می‌کنند که با تحت فشار قرار دادن حاکمیت و تقلا برای آزادسازی حجاب، آن را گامی در جهت پیروزی معرفی کرده و با تکیه بر آن، انگیزه آشوب‌ها را برای فتح سنگرهای دیگر تقویت بخشند. اما نویسنده در ادامه تردید پیدا می‌کند چنین امری محقق گردد، زیرا حمایت رهبری از نیروهای امنیتی به‌عنوان نیروی بازدارنده و بیانات ایشان که راهپیمایی مردم در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس، صدای اصلی مردم ایران است، گویای این است که هیچ گونه عقب نشینی از مواضع در کالبد جمهوری اسلامی وجود ندارد و در این شرایط به نظر می‌رسد آشوبگران و فتنه انگیزان توانایی تضعیف ثبات رژیم را ندارند.

البته باز هم نویسنده سعی می‌کند با دستاویز قراردادن مواردی چون بزرگداشت روزهای ملی، جنجال‌سازی پیرامون زندانیان و... آنها را محرکی برای به جریان انداختن غائله قلمداد کند، موضوعی که دست‌های پشت پرده عوامل برون مرزی و دولت‌های متخاصم را رسوا می‌سازد که در بیانیه مشترک وزارت اطلاعات و سپاه به آن اشاره شده است.

عکس: توییتر

نشریه به اظهارات جلایی‌پور در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد حامی اصلاحات اشاره دارد که در آن گفته شده «به دلیل عدم موافقت نظام با اصلاحات مثلاً تقویت نهادهای جامعه مدنی و شناخت تغییرات عمیق در حال وقوع در جامعه ایران»، برون رفت از بحران کنونی ممکن نخواهد بود و قدرت رادیکال‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. اما به نظر می‌رسد اصلاحاتی که او مدنظر دارد روند نرم مخالفت با جمهوری اسلامی است که در وهله اول بروز و ظهوری آشوبگون ندارد اما به‌طور بالقوه‌ای در زمان‌های مختلف با چاشنی خشونت نیز همراه خواهد شد. مخالفتی که در حقیقت چهارچوب‌های اصلی نظام سیاسی را به رسمیت نمی‌شناسد و از این جهت نمی‌توان با اطمینان آنها را اصلاح نامید.

نویسنده در مطلب خود، مدت زمان سکون فتنه و آشوب را فرصتی برای سازماندهی و چینش مناسب لیدرها در مقابل جمهوری اسلامی می‌داند، اما به قرینه نیز آن را به نفع نیروهای امنیتی هم می‌داند که موجب بهبود و آمادگی قوی آنها می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که نویسنده در کنار اذعان به ناکارآمدی آشوب و به اضمحلال رفتن آن، چندان به تداوم اتفاقات اخیر خوش بین نیست و احتمالاً به همین خاطر هم بوده که با نوشتن چنین مطلبی سعی کرده پیشنهادات جدیدی را در پیشروی کسانی که از آشوب‌ها منفعت می‌برند، قرار دهد.

نگاهی به گزارش پایگاه خبری «میدل ایست آی» درباره قدرت پهپادی ایران

پرندگان عذاب برای دشمنان

امیر فرشباف / امروزه صنعت ساخت پهپاد در جهان به‌عنوان یکی از صنایع راهبردی شناخته می‌شود؛ به طوری که تحولات نظامی حال حاضر در اکثر مناطق جهان را نمی‌توان بدون ملاحظه نقش و جایگاه توان پهپادی طرفین یا اطراف درگیری تحلیل کرد. جمهوری اسلامی ایران بنا به اعتراف کارشناسان امور نظامی و اندیشکده‌ها و رسانه‌های غربی، یکی از قدرت‌های جهانی شناخته می‌شود که نه تنها در تولید به خودکفایی رسیده و از اتکا به قدرت‌های بیگانه مستغنی است، بلکه درحال تبدیل شدن به یکی از قطب‌های صادراتی پهپاد در بازار تسلیحاتی جهان است که به مناطق مختلف دنیا ازجمله کشورهای قدرتمند نظامی، هواپیماهای بدون سرنشین صادر می‌کند. آخرین نمونه اعتراف رسانه‌های وابسته به دولت‌های متخاصم با جمهوری اسلامی، گزارش روزنامه صهیونیستی جروزالم پست است که در آن به توان پهپادی ایران و متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی در هدف قرار دادن اسرائیل در جنگ آینده اشاره می‌شود. در این گزارش آمده است: «تل‌آویو بیم آن را دارد که حزب‌الله و متحدان ایران در سوریه، عراق و یمن در هر جنگ آینده علیه رژیم اسرائیل از هواپیماهای بدون سرنشین استفاده کنند....جنگ بعدی عرصه‌های متعددی دارد و اسرائیل یک هدف کوچک، اساسی و متمرکز خواهد بود که روزانه با هزاران موشک، راکت و صدها پهپاد ایرانی موردهدف قرار خواهد گرفت و در نتیجه این حملات، هر روز صدها مکان ویران خواهد شد....»

یکی از مراکز رسانه ای-مطالعاتی غربی که توان پهپادی ایران را زیر ذره‌بین قرار داده و به طور تخصصی آن را دنبال می‌کند، پایگاه خبری-تحلیلی «میدل ایست آی» واقع در انگلیس است که سعی دارد ظهور ایران به‌عنوان قطب جدید پهپادی را از جهات مختلف بررسی کند. این وبگاه مطالعاتی این کار را در چند مقاله و به وسیله گفت‌وگو با کارشناسان مسائل نظامی دنبال می‌کند؛ یکی از نمونه‌های قابل توجه آن گزارش الیس گئووری روزنامه‌نگار مقیم استانبول با عنوان «ظهور صنعت هواپیماهای بدون سرنشین ایران» است که ترجمه آن را از نظر می‌گذرانید. مؤلف در این گزارش هم از طریق بازخوانی گفت‌وگو با صاحبنظران، به وجوه تاریخی و سابقه ورود ایران به حوزه هواپیماهای بدون سرنشین اشاره می‌کند و هم به جایگاه راهبردی این صنعت در ساختار دفاعی ایران و تحولات میدانی بین‌المللی مرتبط با آن می‌پردازد.

***

دهه‌ها برنامه توسعه دقیق، ایران را به یک رقیب جدی در فناوری هواپیماهای بدون سرنشین تبدیل کرده است؛ پهپادهایی که اکنون خود را در میدان‌های نبرد می‌بینند و به تهران قدرت نفوذ منطقه‌ای جدیدی می‌دهند. با کاهش سریع ذخایر موشکی روسیه، مسکو به ایران روی آورده است و گزارش‌ها حاکی از آن است که روسیه صدها پهپاد ایرانی خریداری کرده و هزار فروند دیگر نیز سفارش داده است. البته مسکو و تهران به نوبه خود وقوع چنین معاملاتی برای جنگ اوکراین را رد کرده‌اند.

با این حال، آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران، در یک سخنرانی با اشاره به توان پهپادی جمهوری اسلامی ایران، به برنامه تولید هواپیماهای بدون سرنشین این کشور مباهات کرد و گفت: «در گذشته به فناوری ایرانی شک می‌کردند و آن را جعلی می‌خواندند؛ حالا می‌گویند پهپادهای ایرانی خطرناک است، چرا به فلانی می‌فروشید؟»

استفاده از این پهپادها به نیروهای مسلح ایران این فرصت را داده است تا آنها را در یک درگیری پویا آزمایش کند و به دانشمندان این کشور امکان یادگیری و به سیاستمدارانش این فضا را می‌دهد تا سخت‌افزارهای ایرانی را به نمایش بگذارند. سرلشکر یحیی رحیم صفوی، فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مشاور ارشد نظامی رهبر ایران، اخیراً گفته است که حداقل ۲۲ کشور علاقه‌مند به دستیابی به پهپادهای نظامی ساخت ایران هستند.

تسلط ایران روی ساخت هواپیماهای بدون سرنشین برای دهه‌ها یک اولویت ملی بوده است که مسئولان با وجود اقتصاد تحریم شده، آن را رشد داده و از آن مراقبت کرده‌اند. از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و ساختار نظامی این کشور طراحی شده است. هواپیمای بدون سرنشین (پهپاد) یکی از چهار رکن راهبرد نظامی ایران است و سه محور دیگر مشتمل بر این موارد هستند: برنامه موشکی، شبکه متحدان منطقه‌ای و توانمندی‌های رو به رشد در حوزه جنگ سایبری.

عزیزی معتقد است که در مجموع، اینها ستون‌های «بازدارندگی نامتقارن» را تشکیل می‌دهند که ایران در مواجهه با تحریم‌های فلج کننده ایجاد کرده است، البته دستیابی ایران به پهپادهای امریکایی [و مهندسی معکوس آنها] نیز در این فرایند بی‌تأثیر نبوده است. عزیزی با بیان اینکه ایران برنامه موشکی و پهپادی خود را برای جبران کمبود نیروی هوایی توسعه داده است، افزود: توسعه بومی در دکترین دفاعی ایران یک اولویت است.

■ مهندسی معکوس؛ راز خودکفایی

پروفسور انوشیروان احتشامی مدیر شورای تحقیقات اقتصادی و اجتماعی مرکز مطالعات پیشرفته جهان عرب در دانشگاه دورام انگلستان و نویسنده کتاب «دفاع در ایران: از سپاه پاسداران تا موشک‌های بالستیک» گفت: اهمیت خصومت ناشی از آن بین ایران و غرب، تحریم‌های بین‌المللی، تهران را به سمت خودکفایی در همه زمینه‌ها بویژه صنعت دفاعی سوق داده است.

■ جایگاه پهپادها در دکترین دفاعی ایران

به گفته حمیدرضا عزیزی، کارشناس مسائل ایران در مؤسسه بین‌المللی آلمان، در طول جنگ ایران و عراق در اواسط دهه ۱۹۸۰ بود که علاقه تهران به هواپیماهای بدون سرنشین واقعاً شروع شد، با اولین پهپاد به نام ابابیل به معنای دسته پرندگان [عذاب]؛ نامی که پیش‌بینی می‌شد استفاده استراتژیک ایران از این پرندگان در میدان‌های نبرد را درپی داشته باشد.

استفاده [ارتش] ایران از ابابیل به‌عنوان مهمات غیرکلاسیک، برای جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی، حفظ منابع محدود، حفظ سرمایه انسانی و پشتیبانی از نیروی هوایی خود کاربرد دارد. عزیزی همچنین گفت: در دهه‌های پس از جنگ، برنامه ساخت پهپادهای ایرانی به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از روزافزون پهپادها در دکترین راهبردی ایران در چند سال گذشته تا حد زیادی افزایش یافته است. احتشامی به MEE (میدل ایست آی) گفت: «این برنامه موشکی ایران بوده که به‌دلیل ارزش بازدارندگی، بویژه در قبال اسرائیل، در کانون توجه قرار گرفته است. توسعه حقیقی صنعت هواپیماهای بدون سرنشین در ایران از ۱۰ سال گذشته آغاز شده است؛ توانایی ایران در انهدام چند پهپاد امریکایی از آسمان به دانش فنی پهپادی جمهوری اسلامی کمک کرده است. علاوه بر این، دانشمندان ایرانی در آموختن از دشمنان شان، توانا بوده‌اند، چراکه به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۱۱، نیروهای مسلح ایران یک پهپاد امریکایی به نام Sentinel RQ-۱۷۰ را سرنگون و در عرض یک سال آن را مهندسی معکوس کردند و در نهایت، نسخه خود را تولید کردند؛ مهارتی که از دهه ۱۹۸۰ به آن دست یافته بودند.»

احتشامی گفت: ایران در چند دهه اخیر در حال توسعه یکی از تخصص‌های خود یعنی مهندسی معکوس بوده است. شما کم و بیش هر چیزی را به آنها می‌دهید و مهندسان و دانشمندان آنها، بویژه در مجتمع نظامی-صنعتی، می‌توانند قطعات طیف بسیار پیچیده‌ای از پهپادها را در اختیار دارد که از آنها به‌طور خاص در خلیج فارس برای کار اطلاعاتی، انتقال مهمات، امواج راداری و جابه‌جایی اشیا و... استفاده می‌کند.»

ایران در سال ۲۰۲۱ از یکی از اعضای خانواده «شاهد» به نام شاهد ۱۳۶ به‌طور رسمی رونمایی کرد. هدف شاهد ۱۳۶ دور زدن سامانه‌های پدافند هوایی دشمن و غلبه بر نیروهای زمینی آن است. این پرنده یک کلاهک به وزن حدود ۳۵ کیلوگرم حمل می‌کند. گاهی اوقات نیز به عنوان پهپاد «کامیکازه» (انتحاری) برای پرواز مستقیم به سمت اهداف شناخته می‌شود.

یکی دیگر از پهپادهای پیشرفته جنگی موجود در زرادخانه ایران، شاهد ۱۲۹ است که در کشورهای مختلف غرب آسیا ازجمله سوریه، لبنان و رزمایش‌های منطقه خلیج فارس استفاده شده است. اگرچه این پهپادهای گوناگون ایرانی از نمونه‌های امریکایی پیشرفته‌تر هستند، اما ایران نشان داده است که برای انتقال و صدور آنها به متحدان خود مانند انصارالله در یمن و... منعی ندارد و آنان نیز می‌توانند از این پهپادها برای اهداف خود استفاده کنند.

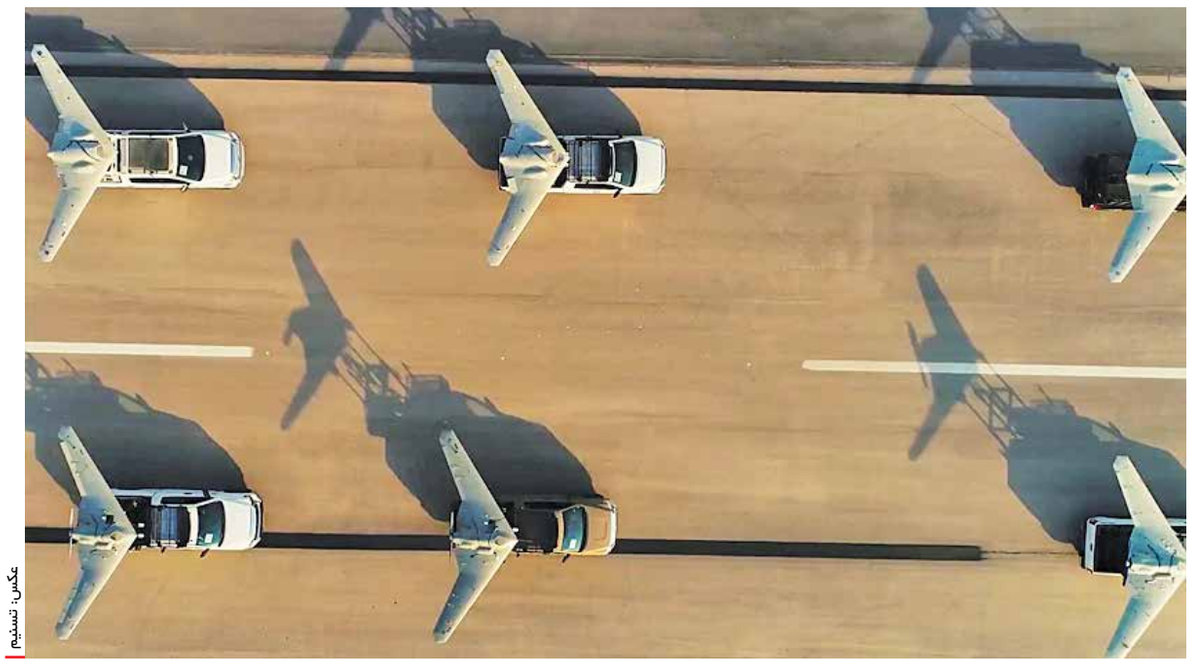
عکس: تسنیم

■ دیپلماسی پهپادی ایران

پهپادهای ایرانی با گذشت زمان به ابزاری مفید برای تقویت پیوند شبکه‌ای تهران با سایر دولت‌ها و بازیگران غیردولتی تبدیل شدند. اوایل سال جاری، ایران اولین کارخانه تولید پهپاد خود را در تاجیکستان برای تولید و صادرات ابابیل ۲ - گونه‌ای از نخستین پهپادهای خود - افتتاح کرد. بدین‌ترتیب، تاجیکستان با تهران همکاری می‌کند تا روابط دوجانبه خود را بهبود بخشند و در عین حال، ایران برنامه هواپیماهای بدون سرنشین خود را به دور از خرابکاری‌های احتمالی اسرائیل توسعه دهد.

اریک لوب، دانشیار گروه سیاست و روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی فلوریدا گفت: «یکی از دلایلی که ایران با تاجیکستان در تولید پهپاد همکاری کرده است، نگرانی‌های امنیتی مشترک آنها در مورد طالبان و داعش خراسان در افغانستان است.»

لوب به MEE گفت: «ایران [همچنین] از صنعت هواپیماهای بدون سرنشین خود برای تقویت روابط با بازیگران دولتی مانند ونزوئلا، اتیوپی و روسیه استفاده کرده است، بویژه پس از پایان تحریم تسلیحاتی سازمان ملل علیه ایران در اکتبر ۲۰۲۰». اما سابقه همکاری تهران و روسیه در حوزه هواپیماهای بدون سرنشین حداقل به سال ۲۰۱۶ برمی‌گردد، زمانی‌که یک ژنرال ارشد ایرانی گفت که مسکو برای اجرای برنامه خود درخواست کمک کرده است.

لوب گفت: «ایران و شرکا و متحدانش در سوریه و عراق از هواپیماهای بدون سرنشین برای جمع‌آوری اطلاعات و حمله به متحدان و منابع امریکا و همچنین علیه گروه‌های افراطی مانند القاعده و داعش استفاده کرده‌اند. او معتقد است یکی از نقاط قوت پهپادهای ایرانی این است که می‌توانند «جایگزین‌هایی مقرون‌به‌صرفه در کنار مزایای تاکتیکی مشابه را به بازیگران دولتی و غیردولتی در داخل و خارج از غرب آسیا ارائه کنند.»

در مکان‌هایی مانند یمن، فناوری هواپیماهای بدون سرنشین ایرانی یک تغییردهنده بازی بوده‌اند. حملات پهپادی انصارالله در یمن، جنگ عربستان را به داخل خاک خود (عربستان) کشانده است و تأسیسات انرژی این کشور را به یک هدف تکراری تبدیل کرده است. حملات پهپادی انصارالله در عمق خاک عربستان اهرم فشار بزرگی برای این گروه تحت حمایت ایران در جنگ یمن بوده است.

از زمانی که ایران برنامه توسعه هواپیماهای بدون سرنشین خود را پیش برده است، اسرائیل، دشمن اصلی منطقه‌ای این کشور، به‌دنبال مقابله با آن بوده است. اسرائیل از شمال عراق (اقلیم کردستان) به عنوان پایگاهی برای جاسوسی و حمله به تأسیسات ایرانی استفاده کرده است که حملات موشکی [و توپخانه‌ای] ایران علیه پایگاه‌های جاسوسی اسرائیلی به‌دنبال پیشگیری از تکرار آن بوده است. ژنرال‌های امریکایی در سال‌های اخیر نسبت به توانمندی پهپادهای ایرانی هشدار داده‌اند. پیشرفت در فناوری هواپیماهای بدون سرنشین ایران باعث شده است که تهران از برتری هوایی منطقه‌ای نسبت به امریکا برخوردار شود؛ موضوعی که اعتراف یکی از ژنرال‌های امریکایی مبنی بر عدم برتری هوایی مطلق امریکا در برابر ایران را در پی داشت.